

Hidden Love Can't be Concealed

Uploader **Dahlia**

Translator **Liva**

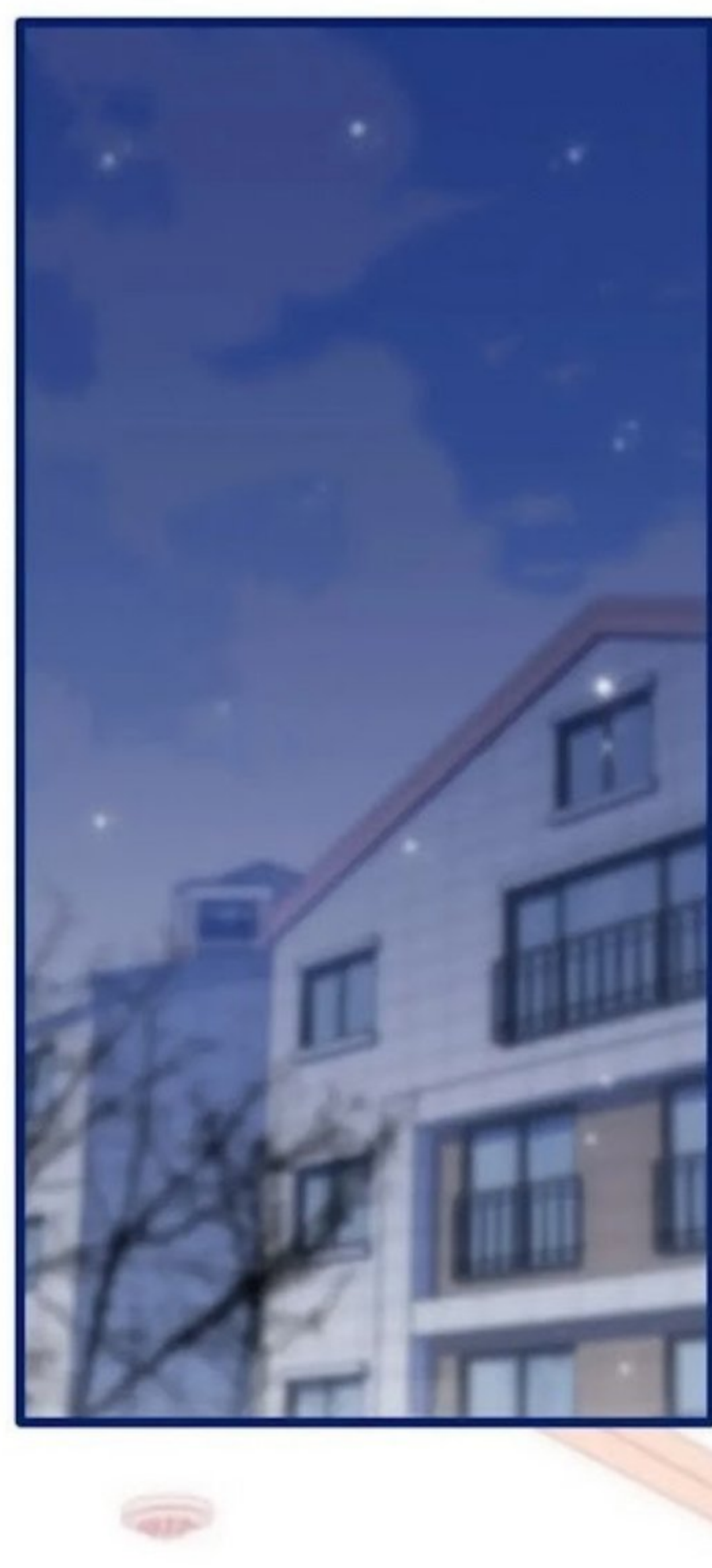
Editor **Farnaz & Ryunosuke**

Director **Leon**

Arno

تیم ترجمه و ادیت آنوی
سکای تقدیم میکند





چه زود
برگشتی.

همم، جیاشو
گفت بعد بدرقه‌اش تا
ورودی، برگردم.

مامان،
بابا،

حالا که با
جیاشو صحبت کردین،
نظرتون درباره‌اش
عوض نشد؟

اوم واقعا
بی نظیره، از هر
نظر عالیه.

ولی،
ژی ژی ...

امروز درباره‌ی
یه مسئله‌ای با جیاشو
حرف زدم. حرف‌هام
ممکنه براش دردناک
بوده باشن،

اگر هم
مناسب نباشه، فکر
می‌کنم...

بهتر باشه
هرچه زودتر تمومش
کنین.

ولی باعث می‌شه
آینده‌ی جفتتون رو
بیش‌تر جدی
بگیره.



عشق مخفی

همیشه

ینهار

نمیمونه...

نویسنده: ژوبی

آرٹیسٹ: کوشیانو

چپتر: 125

فقط چون وقتی
باهاشم خوشحالم و
برام سخت نیست،

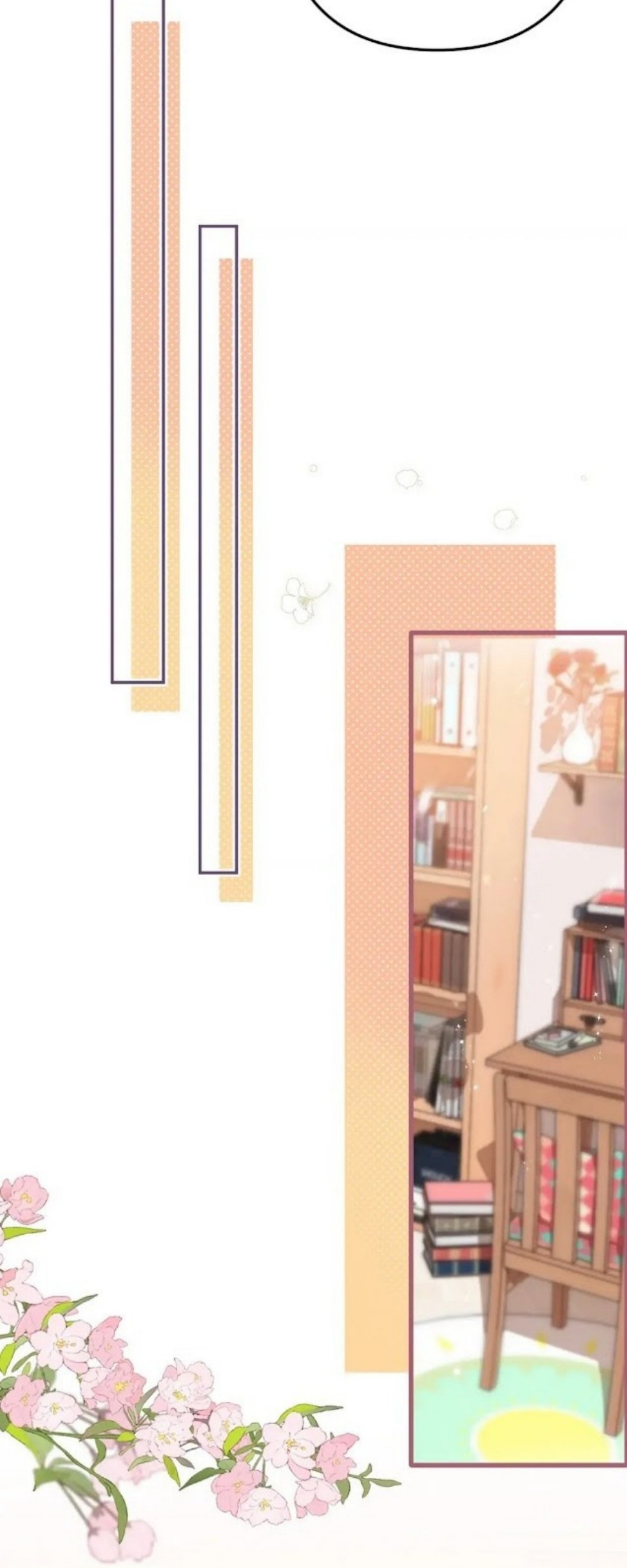
الان دارم همچین
حرف‌هایی رو
جلوتون میزنم.

آینده، دورتر از این
حرف‌هاست. شما هم
کم کم متوجه میشین
که اون چه آدمیه.

نمیگم که
بلافاصله قبولش کنین
و دوستش داشته
باشین،

ولی نمیخوام که
بخاطر وضعیت خانوادهاش
درباره‌اش پیش داوری
کنین.

مهم نیست اگه
نسبت بهش مخالفتی
داشته باشین،



از معلم خصوصی بودن،
حسابی پول در میاری،
ماه؟ این پاکت سرخه
حسابی تپله.



داری اغراق
میکنی.



دفعه بعد
خودم یکی بهت
میدم.

تقصیر منه که یادم
نبود ری ری مون هنوز
تو سینه که پاکت
سرخ میگیره.

بابام
امروز بهت چی
گفت؟



!



واقعا چیزی
نیست. مامان و
بابات هردو
عالین.

فقط فکر می‌کنن که
خیلی پیروم، و اگه باهام
قرار بذاری وجهات رو
از دست میدی.



میشه جدی
باشی؟ شوخی
ندارم.



ولی امشب،
خاله و عمو کلی چیز
بهم گفتن، نعیدونم
داری از کدومشون
میپرسی.



به هر حال، ناراحت
نشو. مامان و بابا فقط
نگرانن که من با آدم
بدی قرار بذارم.

به علاوه،
حرف‌های اون‌ها،
فکرهای من
نیست.



همم.

تا زشم قصیده بابات
هیچ ربطی به تو نداره. بازم
با مامان و بابام صحبت
میکنم.



...

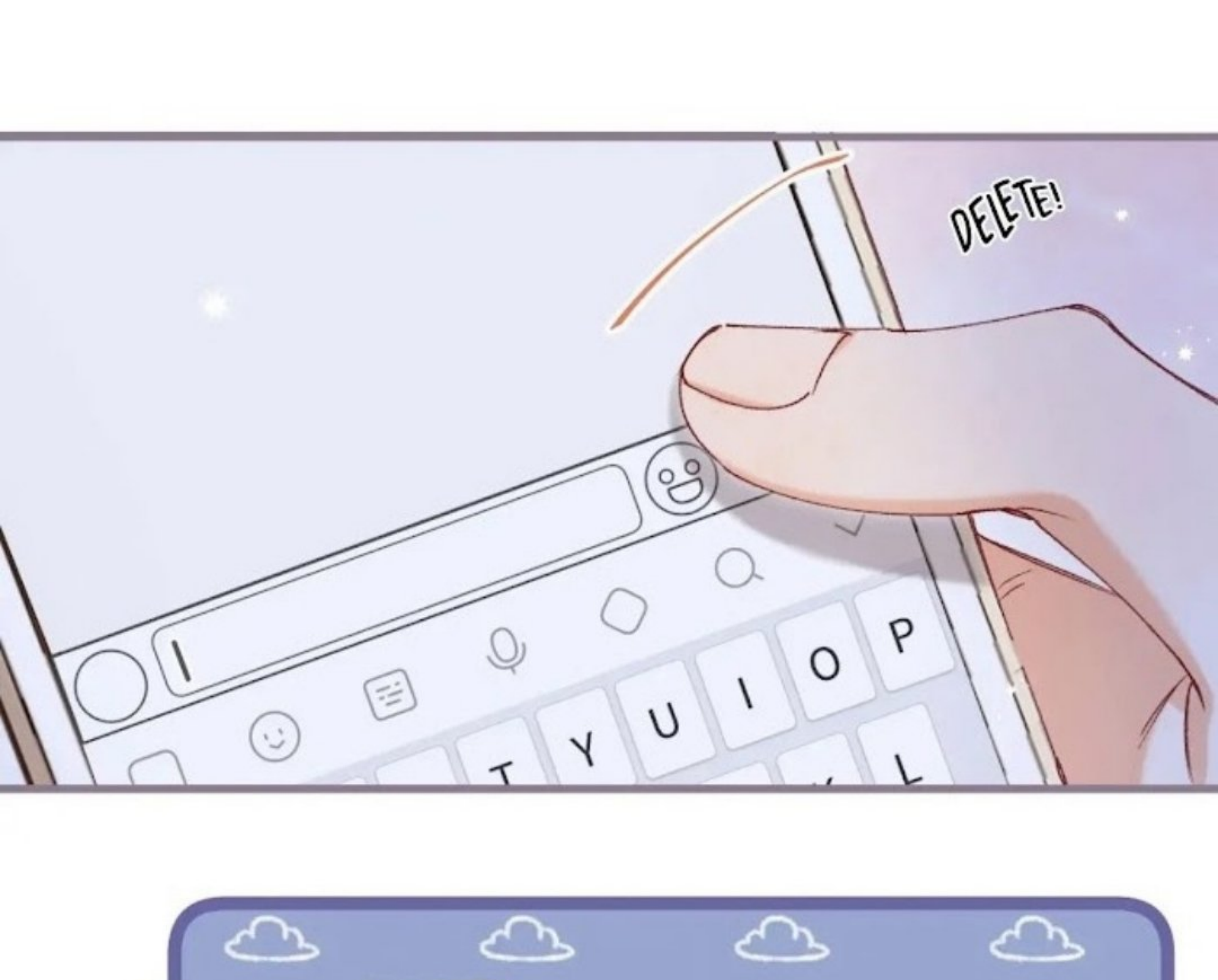
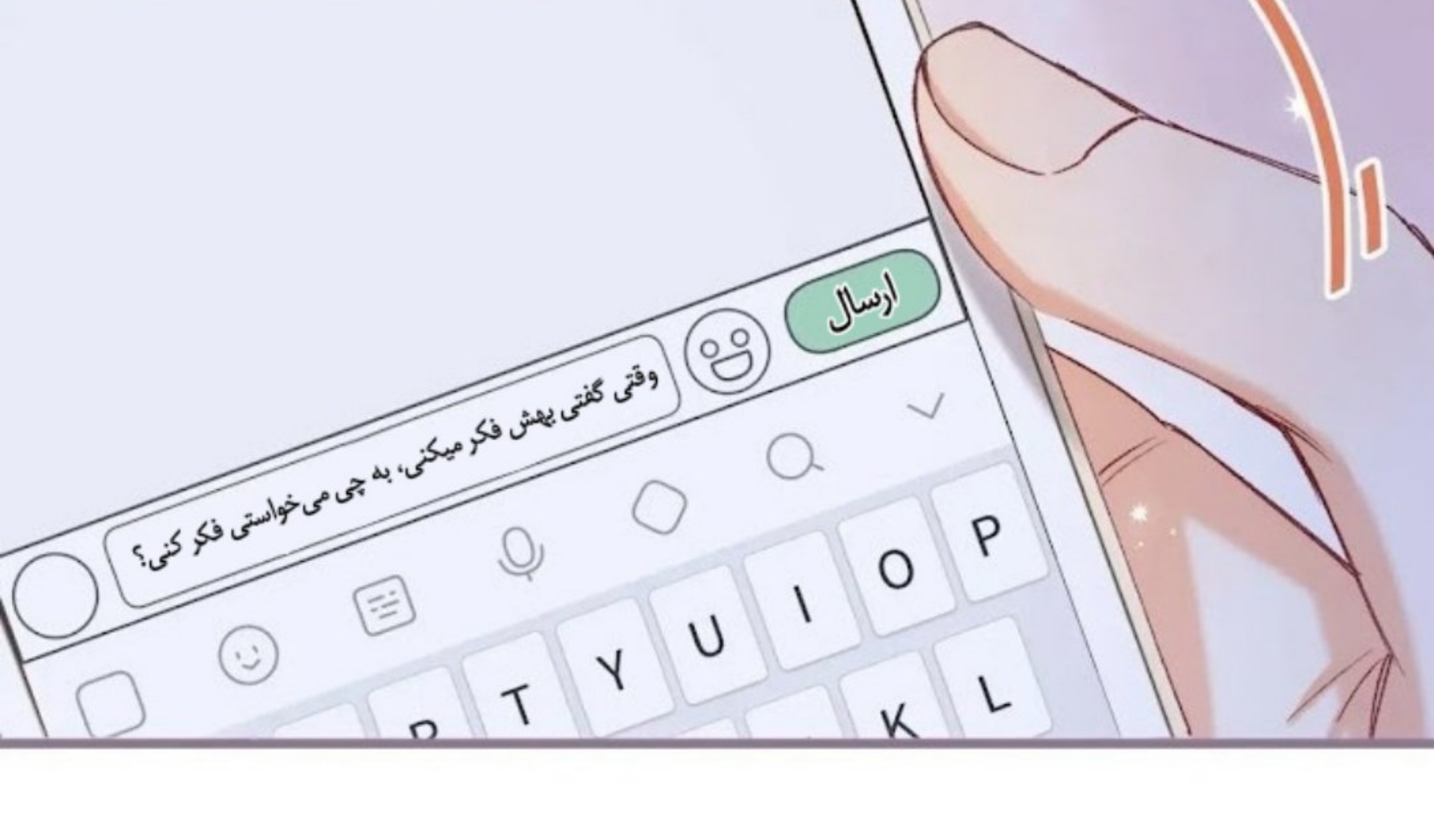


حرفش
رو جلوشون
نیار.

همین جوریش
کم وقت خالی پیدا
میکنی، جو بیتتون رو
به خاطر این بهم
نریز.

...





بابا نگرانی هاش
رو به چیا شو گفته.
نگرانی هاش چی
بودن؟

سنش؟
یا قضیه‌ی
پاپاش؟

این‌ها
هیچکدوم قابل
تغییر نیستن.

پس فقط
موقعیت مالی اش میمونه.
ولی دو آن جیاشو فقیر
نیست. پس جیاشو قدره
به چی فکر کنه؟

!

نکنه...

بهم
زدنه؟

توی اون لحظه،
همه‌ی سرکشی‌ها و
پافشاری‌ها،

توی لایه‌ای از ابهام
فرو رفتن.

اون واقعا از چیزی
نمی‌ترسید، اون تنها،

از افکار دو آن جیاشو
می‌ترسید.

ادامه دارد...

سلام

این فایل که هم‌اکنون خوندید،
توسط تیم بزرگ تلگرامی

AoiSekai

ترجمه و ادیت شده و برای شما
و بقیه افرادی که به مانهوا
خوندن علاقه دارن آماده
شده.

تیم آئویی سکای فقط و
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی رویکا، سروش،
ایتا، اینستا و بقیه پیام رسان‌های داخلی و
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،
بدونید بدون اجازه‌ی تیم ما گذاشته شده
و این کار دزدی محسوب میشود و به
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/AOISEKAI)